

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی - 30 مرداد/ 1385

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به همه ی برادران و خواهرانی که تشریف دارید، خوش آمد عرض می کنم و مبعث حضرت ختمی مرتبت، رسول اعظم و مطلع نورانیت تاریخ بشر را تبریک عرض می کنم. همچنین به همه ی شما و همه ی مسلمانان، پیروزی درخشان برادرانمان در لبنان در مقابله ی با رژیم صهیونیستی را، که در حقیقت پیروزی اسلام بود، تبریک عرض می کنم. برادران ما در جنوب لبنان و در مقابله ی با متجاوزان صهیونیست، خط مقدم امت اسلامی بودند. این جلسه، بسیار جلسه ی مهم و با عظمتی است. شما از مجموعه دنیای اسلام در این جا گرد آمدید. بدون شك آینده ی دنیای اسلام را باید از برنامه های زیدگان دنیای اسلام شناخت؛ زیدگان علمی و زیدگان سیاسی. این جمع و جماعتی برجسته ی دنیای اسلام اگر با نگاه حقیقت بین و دردشناس به امت اسلامی نگاه کنند و دنبال علاج باشند، امت اسلامی آینده ی خوبی خواهد داشت. اگر ما وظایف خودمان را نشناسیم، یا به آن عمل نکنیم، باز هم سالهای طولانی دنیای اسلام به همان دردهایی که امروز دچار آن هست، دچار خواهد بود. وظیفه ی ما سنگین است.

موضوع بحث شما اقلیت های اسلامی در کشورهای غیراسلامی است. البته موضوع مهمی است و جای آن هست که درباره ی این موضوع، مجمع تقریب و برجستگان دنیای اسلام فکر و برنامه ریزی کنند. من از آنچه که در این زمینه شما انجام دادید، تقدیر می کنم؛ ولیکن نکته ای را می خواهم عرض بکنم و آن، این است که مسئله ی اول ما در دنیای اسلام، «وحدت امت اسلامی» است. اگر ما بتوانیم بر کید دشمن فائق بیاییم و نقشه ی او را در ایجاد اختلاف خنثی کنیم، بسیاری از مشکلات ما برطرف خواهد شد. مشکل اقلیت های اسلامی هم از جمله ی این مشکلاتی است که برطرف خواهد شد.

ما دچار یک بیماری مهلکی هستیم که باید همت کنیم و این بیماری را از خودمان دفع کنیم. اختلافات بین دنیای اسلام و ناهماهنگی ها و دامن زدن به دشمنی ها، بیماری بسیار خطرناکی است. و من به شما عرض کنم که اگر در طول زمانهای گذشته این بیماری به طور طبیعی در جسم دنیای اسلام و امت اسلامی وجود داشت، امروز دستهای سیاسی بشدت به دنبال تشدید این بیماری هستند. ما نمونه های آن را در دنیای اسلام داریم می بینیم، که انسان به خود می لرزد. ما از دشمنهای بیرونی نمی ترسیم. هیبت امریکا و قدرتهای استکباری تا حالا ما را دچار ترس و تردید نکرده؛ لشگرکشی های خصمانه، تبلیغاتی و سیاسی و نظامی و اقتصادی ما را مطلقاً در موضع انفعال قرار نداده و قرار نخواهد داد؛ اما از این بیماری درون دنیای اسلام، ما به خودمان می لرزیم و می ترسیم. این را علاج کنید.

از وقتی پرچم اسلام در ایران بلند شد و جمهوری اسلامی با هدف تحقق بخشیدن به اهداف اسلامی تشکیل شد، دشمنان اسلام نقشه ی اختلاف را با دقت طراحی کردند و دنبال می کنند؛ چون وقتی مسلمانها احساس شرف و عزت کردند، وقتی دیدند می شود پرچم اسلام را بلند کرد، وقتی روح هویت اسلامی در آنها بیدار و زنده شد، وقتی توده های مسلمان شعار اسلام را در همه جا سر دادند، فهمیدند که خطر برای منافع استکبار در این منطقه ی عظیم اسلامی، خطر جدی است و منافع متجاوزانه ی آنها تهدید می شود.

دنیای اسلام، تقریباً با یک میلیارد و نیم جمعیت، با امکانات فراوان اقلیمی و جغرافیایی و طبیعی و انسانی و سرمایه های بی نظیری که در اختیار دارد، می تواند یک مجموعه عظیم و متحد را تشکیل بدهد. امروز بیش از دو بیست سال است که کیسه ی استعمار غربی از این منطقه پیوسته پُر می شود؛ چه در دوران استعمار، چه در دوران استعمار نو، چه در دوران جدید، به شکلی این منطقه در خدمت اهداف سیاسی دنیای استکبار بوده، که در رأس آن امریکا است. اگر امت اسلامی وحدت خود را به دست بیاورد، اگر قدرت اسلامی به معنای حقیقی کلمه خود را نشان

بدهد، اگر استقلال اسلامی، استقلال حقیقی، در این مناطق به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، تسلط و سیطره ی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی دشمن قطع خواهد شد. اینها به این راضی نیستند و با همه ی وجود تلاش می کنند این اتفاق نیفتد. راهی که آنها پیدا کردند، ایجاد اختلاف است و این بیماری متأسفانه در جسم دنیای اسلام نفوذ کرده. من از شما درخواست می کنم به این مسأله به طور جدّ بیندیشید.

ما اسم وحدت اسلامی را خیلی می آوریم و همه دم از وحدت اسلامی می زنیم؛ همه دم از برادری اسلامی می زنیم؛ در عمل هم مجموعه ای از زیدگان دنیای اسلام، حقیقتاً احساس برادری می کنند - الان در این جلسه، روح برادری و اخوت موج می زند - ما همه یکدیگر را از خود می دانیم و بین خودمان فاصله ای قائل نیستیم. این، واقعیتی است؛ اما ما نماینده و نشان دهنده ی واقعتهای دنیای اسلام در صحنه ی سیاست، در صحنه ی حکومتها، در میان توده های مردم، به معنای واقعی کلمه، نیستیم. دشمنان بذر اختلاف را در بین امت اسلامی می پاشند و سیاسیون ناخالص، تعصبهای غلط، ندیدن آفاق بلند دنیای اسلام و محدود شدن در ظرفهای کوچک، زمینه رشد این تعصبهاست.

بعضی از دوستان به عراق اشاره کردند. ببینید در عراق چه اتفاقی دارد می افتد. امروز در عراق، در برخی از کشورهای دیگر، کسانی از برادران سنی و شیعه در مقابل هم قرار دارند و متقرباً الی الله با هم دشمنی می کنند! چرا؟ چه کسی این انگیزه های باطل را در میان اینها تزریق کرده؛ اینها که از اسلام نیست. بیا بید وحدت اسلامی را عملی کنید و منشوری را که همه ی علمای اسلام، همه ی روشنفکران دنیای اسلام، همه ی برجستگان سیاسی با اخلاص دنیای اسلام آن را تأیید و تصدیق کنند و برای عملی کردن آن تلاش کنند، تهیه کنید، تا دیگر مسلمانی جرئت نکند متکلم به کلمه ی توحید را که در یک مذهب یا در یک جناح دیگر است، تکفیر کند؛ تا برادران با هم باشند. مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «ولاتنازعوا فتفشلوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد.

قرآن می فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی کند به این که ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما می گوید که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جميعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر این که مسلمان باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمانها و همدست با آنها انجام دهد. ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه ی شریفه ی قرآن می فرماید: «فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى». این، اعتصام به حبل الله را برای ما معنا می کند. تمسك به حبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و كفر به طاغوت.

امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می کند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکرانش و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است و دنیای اسلام در پیشرفت خود، در موضعگیری خود، در ترقی مادی و معنوی خود، زیر فشار امریکا و همکاران و همفکران اوست. در همین تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در این یک ماه اخیر - که به این حماسه بزرگ اسلامی از سوی حزب الله منتهی شد و نصرت الهی بر اینها نازل شد - امریکا صریحاً وارد میدان جنگ شد و فقط به حمایت زبانی و مالی و سیاسی اکتفا نکرد و برای رژیم صهیونیستی تسلیحات فراهم کرد، فرستاد و کمک کرد. در واقع این جنگ را امریکاییها خواستند و آنها شروع کردند. امروز طاغوت اعظم امریکاییها هستند.

در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما كفر به طاغوت نیست. كفر به طاغوت لازم است. بدون كفر به طاغوت تمسك به عروه ی وثقای الهی امکانپذیر نیست. ما کشورها و دولتها و ملتها را به این که به جنگ با

امریکا بشتابند، دعوت نمی‌کنیم؛ ما دعوت می‌کنیم که تسلیم امریکا نشوند. ما دعوت می‌کنیم که با دشمن اسلام و مسلمین همکاری نکنند. یکی از اقسام همکاری نکردن همین است که به وسوسه‌های آنها در زمینه ی وحدت امت اسلامی اعتنا نکنند و امت اسلامی را با اتحاد خودش حفظ کنند.

امروز به نظر ما مهمترین مسئله ی دنیای اسلام، مسئله ی اتحاد است. اگر این اتحاد انجام شد، ما پیشرفت علمی هم می‌توانیم پیدا کنیم؛ پیشرفت سیاسی هم می‌توانیم پیدا کنیم. شما می‌بینید دشمنان دنیای اسلام چه فشاری بر روی مسئله انرژی هسته‌ای در ایران دارند. آنها می‌دانند که ما دنبال بمب اتم نیستیم. آنها از پیشرفت علم در این کشور، از پیشرفت فناوری در یک کشور اسلامی ناراحتند. یک کشور اسلامی ای که نشان داده که تسلیم سیاستهای امریکا نیست؛ نشان داده که از امریکا نمی‌ترسد. این کشور اسلامی باید به پیشرفت مهمترین تکنولوژی امروز دنیا - یعنی تکنولوژی هسته‌ای - مجهز نباشد. آنها به خاطر این، فشار را وارد می‌کنند. البته ما تصمیم خودمان را گرفته‌ایم. ملت ایران در طول بیست و هفت سال بعد از انقلاب، با تجربه فهمیده است که تنها راه خلاصی از کید دشمنان، توکل به خدا و صبر در میدان و مجاهدت است. ما این راه را تا امروز رفته‌ایم و ثمرات شیرین آن را چشیدیم و به حول و قوه ی الهی در ادامه هم همین راه را با قوت تمام خواهیم رفت، که آثارش را هم می‌بینیم.

برادران و خواهران عزیز! امروز دنیای اسلام در یک وضع استثنایی است. می‌توان گفت قرن‌هاست که این فرصتی که امروز دنیای اسلام دارد، گیر دنیای اسلام نیامده است. امروز فرصت بسیار بزرگی در مقابل ماست؛ ملتهای اسلامی بیدار شده‌اند، موج بیداری اسلامی به زوایای دنیای اسلام کشیده شده، ملتهای اسلامی به حقوق خودشان واقف شده‌اند و بسیاری از رهبران اسلامی - ولو تظاهر نکنند - در باطن خودشان سرشار از بغض و دشمنی با استکبارند، که این را ما می‌بینیم. در بسیاری از کشورهای اسلامی سران و رهبران و سیاستمداران و مسؤولان، بسیار دلگیر و ناراحت از رفتارهای امریکا و قدرتهای استکباری هستند. این، یک فرصت بزرگ برای دنیای اسلام است و از این فرصت باید استفاده کرد. یک وظیفه سیاستمداران دارند، یک وظیفه هم رهبران فکری و فرهنگی دارند. این وظیفه ی دوم از وظیفه ی اول کم‌اهمیت‌تر نیست. علمای اسلام، روشنفکران و اساتید دنیای اسلام، متفکران برجسته ی دنیای اسلام، این کسانی که تربیونهای مردمی در اختیار آنهاست و می‌توانند افکار مردم خودشان را بسازند، وظیفه ی بزرگی دارند و باید قدرت ملی، قدرت توده ی مردم در دنیای اسلام را بدرستی به آنها تفهیم کنند. چند قرن است - از اول دوران استعمار تا حالا - که دستگاه استکبار خواسته است به ملتهای مسلمان تفهیم کند که از شماها کاری ساخته نیست؛ شماها توانایی مقابله ی با ما را ندارید. البته استعمار توانسته این مسئله را در مدتی طولانی به جمع زیادی از مردم مسلمان بیاورد و خیانت بعضی از سیاستمداران هم به این کمک کرد. نتیجه ی این باور غلط، گرفتاریهای بزرگی شد که در رأس آن، مسئله ی قدس شریف و مسئله ی فلسطین است.

الان نزدیک به شصت سال است که فلسطین، خانه ی اسلام، متضمن قبله ی اول مسلمانان، از دست مسلمانها، از دست صاحبان خودش، خارج شده و فلسطینی‌ها آواره در کشورها شده‌اند و یا در خانه ی خودشان، در زیر فشار آن غاصب مدعی هستند که با پُرویی تمام آنجا نشسته و دشمنان اسلام هم از طرف او را تأیید می‌کنند. این غصه ی بزرگ، این مصیبت بزرگ، به خاطر این به وجود آمد که مسلمانها از توانایی‌های خودشان غافل بودند. اگر این بیداری ای که امروز در دنیای اسلام هست، در دهه‌های 30 و 40 میلادی وجود داشت، قضیه ی فلسطین اتفاق نمی‌افتاد و دولت غاصب انگلیس، آن روز جرئت نمی‌کرد یک کشور اسلامی را یکجا از مردمش غصب کند و به یک بیگانه بسپارد. حالا امروز باید از آنچه خسارت خورده‌ایم، بتدریج جبران کنیم. و این کار با برنامه ریزی ممکن است؛ این کار با عقل و تدبیر ممکن است؛ این کار با عزم راسخ ممکن است؛ ولی با میل به انفعال و تسلیم، هیچ وقت دنیای اسلام به اهداف خود نخواهد رسید؛ با ترس از دشمن و بی‌اعتقادی به نیروی مردم، هرگز مقاصد دنیای اسلام و امت اسلامی برآورده نخواهد شد.

این توده‌های میلیونی مردم که در کشورهای اسلامی می‌بینید، یک قدرت عظیمی است که اگر این قدرت فعال بشود، هیچ قدرت بیگانه ای در مقابل آن نمی‌تواند ایستادگی کند. نمونه اش همین اتفاقی است که افتاد و خدای

متعال حجت را بر ما تمام کرد. حادثه ی لبنان و پیروزی واضح حزب الله که حقیقتاً مصداق «کم فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله و الله مع الصابرين» بود، حجت را بر ما تمام کرد. البته دشمنان اسلام نیروی مردم را انکار کردند و سیاستمداران را به نیروی ملت‌های خودشان بی اعتقاد کردند. به نظر ما یکی از بزرگترین هنرهای امام راحل ما این بود که این نیروی مردم را شناخت و آن را کشف کرد و از آن بهره گرفت؛ و به مردم اعتماد کرد.

وضع ایران قبل از پیروزی انقلاب، وضع خوبی نبود؛ مردم در حال بی تکلیفی، دشمنان مسلط، اینجا پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی، که می آمدند می بردند، می خوردند و استفاده ی سیاسی و مالی می کردند. آن روزی که بعضی از کشورهای عرب تصمیم گرفتند که از نفت علیه اسرائیل استفاده کنند، شاه ایران دل صهیونیستها را گرم کرد و گفت من به شما نفت می دهم. وضع ایران در آن روز این گونه بود و کسی امیدی نداشت؛ اما امام راحل ما (قدس الله نفسه الزکیه) وقتی همت گماشت و بر این مبارزه عزم کرد، هیچ نیرویی جز نیروی مردم نداشت. او به این نیرو معرفت پیدا کرد؛ به این نیرو تکیه کرد و خدای متعال هم که همه چیز دست اوست - که «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» - دلها را منقلب کرد. وقتی دلها متوجه به این حقیقت شد، نیروها به میدان آمدند و قدرت رژیم طاغوتی و وابسته شاه متزلزل شد و نظام اسلامی در این کشور سربلند کرد. ما در حساسترین نقطه ی دنیای اسلام و بر سر چهارراه قرار داریم و بیشترین نقطه اعتماد امریکا و استکبار در این منطقه، بر رژیم سلطنتی شاه بود.

نیروی مردم را باید شناخت. این نیرو، نیروی عظیمی است. برای به میدان آوردن این نیرو، همت و عزم و اخلاص و مجاهدت لازم است. اگر مردم داخل میدان شوند و سیاستمداران و زمامداران کشورها با توده های میلیونی مردم کشورهایشان نزدیک شوند، هیچ قدرتی نمی تواند در مقابل آنها ایستادگی کند و هیچ تهدیدی روی آنها تأثیر نخواهد گذاشت. البته بدون جهاد، بدون تحمل سختی، انسان به جایی نمی رسد و امت اسلامی باید سختی هایی را تحمل کند، تا بتواند به اهداف بلند خودش برسد؛ اینها وظایف مهم امروز ما در دنیای اسلام است.

خدا را شکر می کنیم که دل‌های جماعت کثیری از ملت‌های مسلمان و برجستگان و علما و زیدگان را به سمت راه درست هدایت کرده است. اساس کار این است که نگذارید ملت‌ها ناامید شوند؛ نگذارید افق را در مقابل آنها تیره و تار کنند و نگذارید هیبت استکبار، سایه سنگین خود را بر روی دل‌ها و عزم‌ها و اراده های ما بیندازد؛ و نگذارید اختلاف ما را ناتوان کند. امروز انسان متأسفانه می بیند که حرف‌های امریکا و انگلیس از زبان بعضی از سیاستمداران دنیای اسلام تکرار می شود! همان چیزی که آنها می خواهند، اینها تکرار می کنند و به آتش اختلاف شیعه و سنی و اختلافات فرقه ای دنیای اسلام دامن می زنند. این، درست بر طبق آن چیزی است که دشمنان اسلام می خواهند. باید با این کار مقابله کرد.

از خداوند متعال می خواهیم که همه ی ما را بر آنچه که رضای اوست، موفق بدارد و کمک کند تا ان شاء الله بتوانیم تکلیفمان را انجام بدهیم. ما در جمهوری اسلامی از انجام وعده های الهی، با همه ی وجود خوشحال هستیم و پی درپی انجام وعده های الهی را می بینیم. البته ماها را تهدید می کنند و دائماً تهدید هست؛ هیچ چیز تازه ای وجود ندارد - از اول انقلاب، جمهوری اسلامی را تهدید کردند؛ اما جمهوری اسلامی با ایستادگی خود، توانسته این تهدیدها را خنثی کند، بعد از این هم همین جور خواهد بود؛ بعد از این هم تهدیدها خنثی خواهد شد - و هر یک از کشورهای مسلمان که در مقابل تهدیدهای استکبار بايستند و خود را نیازند، این تجربه موفق را دارند که پیروزی را به چشم ببینند؛ انجام وعده های الهی را به چشم خودشان مشاهده کنند.

ما دست برادری به سوی همه ی امت‌های اسلامی، به سوی همه ی رهبران فکری و رهبران سیاسی دنیای اسلام دراز می کنیم و از آنها می خواهیم که این پیوند برادری را بیش از پیش مستحکم کنند و امیدواریم خدای متعال چشم دنیای اسلام را به پیروزیهای بیشتری، در زمینه های مختلف، ان شاء الله روشن کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته